



مطمئن هستم گزارش هایی جذاب و تکان دهنده از تحقیقاتشان به دست خواهند آورد که موجب ایجاد تحول در میان جامعه هدف مخاطبان شود.

در فصل دوم، مصادف با سومین شب رمضان، پیامی از آلمان دریافت کردیم که فردی با مشاهده فصل یک برنامه خداپاور شده بود. ابتدا تصور کردیم که این پیام تنها یک پیام دلگرم کننده باشد به همین دلیل شماره تماس را گرفتیم و متوجه شدیم از کشور آلمان است. او عنوان کرد که سالها آشنایشان که بیش از چهل سال در آلمان زندگی می کند، یک «آنتیسم» یا «خداناپور» است و طی این سالها نتوانسته اند او را خداپاور کنند. پس از آنکه او فصل یک برنامه را مشاهده کرده بود تماس گرفته بود و از آشنایشان برای نمازخواندن و دیگر موارد راهنمایی می خواست.

پیام دیگری در سال گذشته داشتیم مبنی بر اینکه پدری با دو دخترش از اقلیت مذهبی تنها در خانه ای زندگی می کردند که به واسطه تماشای این برنامه یکی از دختران به همراه پدر مسلمان می شوند و به سبب ایجاد آزار و رنجش از سوی همسایه ها و هم محله ای ها از آن منطقه خارج می شوند و به دلیل ضعیف بودن مباحث مالی زندگی فقیرانه شان را در خارج از شهر ادامه می دهند.

در مورد دیگری پیامی از زوجی داشتیم که یک دختر پنج ساله داشتند و از یکدیگر جدا شده بودند. آقا در شب عقد ازدواج دومش برنامه را تماشا می کند و به خانم برای گرفتن حلالیت تماس می گیرد. زمانی که تماس می گیرد، از قضا خانم هم عنوان می کند که با تماشای

می شود که البته سازمان صداوسیما جزو مؤثرترین ها است.

باید بگوییم که این چه نگاه تلخی است که تیرگی را در ذهن ها داریم و از حلقوم ها فواره می زنیم و در نهایت این تیرگی فواره ها رو به پایین برمی گردد و تیرگی اش روی سر و صورت جامعه خودمان می نشیند. فواره های تیره کلانی که همه را به تیرگی می کشاند. جای حرف زدن و غر زدن ایده داشته باشیم و تک تک ایده های مان را در صفحات شخصی مجازی مان بازگو کنیم. وقتی در فضای مجازی ایران راهکار موج بزند، حتما در هر حوزه ای لااقل یک ایده عملی برای حل یک مشکل کشف خواهد شد.

به نظرم هر فردی فرهنگ شخصی برای خود ایجاد کند و این فرهنگ را با خودش از درون ذهن خودش به

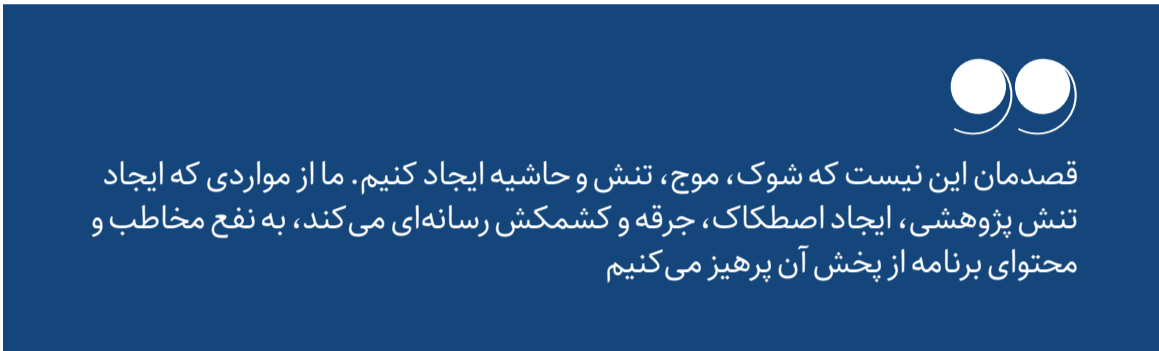
اگر ضریب ابزار ثابت برنامه همچون دکور، دوربین، کارگردانی، نور را عدد پنج در نظر بگیریم و ضریب هر یک از میهمانان برنامه و سوزها و موضوعات مطرح شده را یک عدد دیگر در نظر بگیریم، عدد پنج را در آن اعداد ضرب می کنیم و در نهایت رقم نهایی که به دست می آید، نشان از تفاوت برنامه ها با یکدیگر است.

در هر برنامه تجربیات تجربه گر فرق می کند و حتی نوع اقلیم و لهجه اش متفاوت از دیگر تجربه گر است و همین مباحث برنامه را دیدنی تر می کند.

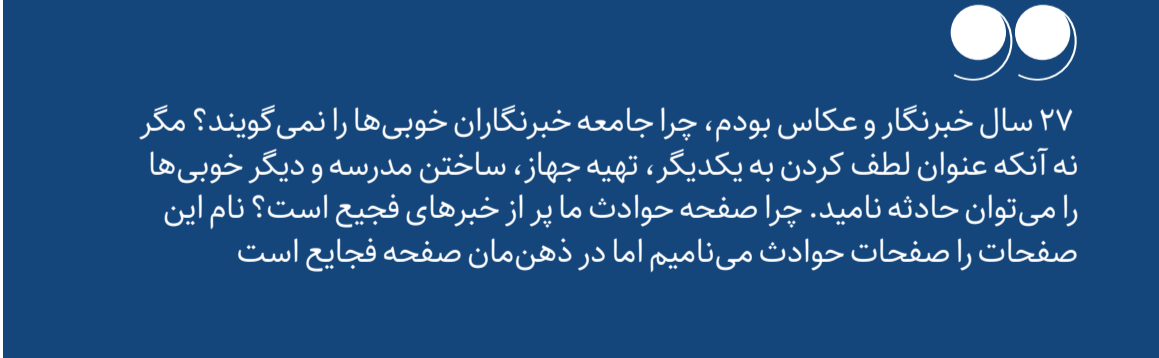
همچنین هر فصل از میان صدها و هزاران تجربه ابرازی، تنها حدود ۵۰ مورد تأیید برنامه قرار می گیرد و نهایتاً آنهایی انتخاب می شوند که نکته های محتوایی جدیدی داشته باشند و تلاش داریم در هر برنامه حداقل یک نکته جدید را داشته باشیم.

که تجربه گر دروغ می گوید؛ بلکه به این فکر می کنم که این تجربه، تجربه منطبق با سنجها هست یا نوع دیگری از تجربه همچون خواب یا توهم ذهنی، تخیل، تصور یا پردازش عامدانه یا غیرعامدانه است و اصلاً افراد را قضاوت نمی کنیم و برابمان مهم نیست که انگیزه اش چیست؟ و تهمت دروغگویی نمی زنیم به افراد. در واقع برای نیت خوانی افراد نه تلاش ذهنی می کنیم و نه وقت می گذاریم و نه اجازه قضاوت به خود می دهیم. برای ما مهم این است که طبق آن گزاره ها و سنجها این، یک تجربه خروج از بدن و تجربه نزدیک به مرگ هست یا نه.

برخی تجربه ها را به صراحت می گوییم خواب یا توهم است. اما هیچ گاه انگیزه خوانی نمی کنم.



قصدمان این نیست که شوک، موج، تنش و حاشیه ایجاد کنیم. ما از مواردی که ایجاد تنش پژوهشی، ایجاد اصطکاک، جرقه و کشمکش رسانه ای می کند، به نفع مخاطب و محتوای برنامه از پخش آن پرهیز می کنیم



۲۷ سال خبرنگار و عکاس بودم، چرا جامعه خبرنگاران خوبی ها را نمی گویند؟ مگر نه آنکه عنوان لطف کردن به یکدیگر، تهیه جهاز، ساختن مدرسه و دیگر خوبی ها را می توان حادثه نامید. چرا صفحه حوادث ما پر از خبرهای فجیع است؟ نام این صفحات را صفحات حوادث می نامیم اما در ذهن مان صفحه فجایع است

برنامه قصد داشت که او هم برای گرفتن حلالیت تماس بگیرد و در نهایت با یکدیگر ازدواج می کنند و هم اکنون به صورت پنهانی و به دور از چشم خانواده با یکدیگر زندگی می کنند، چرا که در فرایند طلاق شان خانواده ها شان بشدت با یکدیگر درگیر شده بودند و میانشان تنش بسیار بود.

و اینها تنها گوشه ای از عمق اثرگذاری های برنامه است.

باتوجه به عمق اثرگذاری ها، سازمان صدا و سیما چقدر باید روی چنین برنامه هایی سرمایه گذاری کند؟

عمیقاً باور دارم که در سطح اجتماعی تکرار، بیان و ابراز خوبی ها موجب افزایش و تزیید خوبی ها می شود و برعکس تشدید بدی ها سبب افزایش بدی ها می شود. اینکه مدام از بدی ها بگوییم، همین تشدید بدی ها خطرش از قبه بیشتر است، چرا که بر آن بدی مهر تأیید می زنیم و تأکید بسیار بر آن داریم.

زمانی که شما خودت با خشم، عصبانیت و شتابزدگی گفت و گو و رفتار می کنی و می گویند که این جامعه بد است، به نوعی شعله همدیگر را بالا می کشیم. پس باید چه کنیم؟ ابتدا خودت عصبانی نباش و آرام و مهربان باش. خودت را نفرین و لعنت نکن. داد زن و هیجان زده نباش. ۲۷ سال خبرنگار و عکاس بودم، چرا جامعه خبرنگاران خوبی ها را نمی گویند؟ مگر نه آنکه عنوان لطف کردن به یکدیگر، تهیه جهاز، ساختن مدرسه و دیگر خوبی ها را می توان حادثه نامید چرا صفحه حوادث ما پر از خبرهای فجیع است؟ نام این صفحات را صفحات حوادث می نامیم اما در ذهن مان صفحه فجایع است. این صفحه حتی نباید به صورت عمودی و افقی دو نصف شود یعنی اتفاقات خوب و بد. همچنین نباید اینها نسبتش ۵۱ به ۴۹ باشد و جامعه را به سمت خوبی ها و رفتارهای نیک سوق داد؟ به مردم بگوییم جوانی برای پدری که در کما رفته بود، روزها کنار پدرش بود و خدمت می کرد؛ یا بنویسیم جوانی در ریل قطار، جان فردی را نجات داد.

متأسفانه همه نگاه ها فجایعی شده تا حادثه ای که البته می توان ریشه یابی کرد. در فیلم های سینمایی شاهد موضوعاتی همچون زیرپوش چرک، سر و صورت سوخته شکنجه دیده، خواهر معتاد فراری، خیانت همسر، چاقو هستیم و بر این تصویریم که چنین موضوعاتی، سبب افزایش فروش فیلم می شود. در سازمان صداوسیما کمترچنین مسأله ای را شاهد هستیم اما این نگرش وجود دارد. من از همین تریبون اعلام خطر می کنم. مباحث خیانت همسر و فرزند حرام زاده با تماشای فراوان سریال های ترکیه، کوبا امریکای جنوبی افزایش می یابد.

برای اولین بار در سریال های تلویزیونی شاهد این اتفاق هستیم که از موضوع حرام زاده استفاده کرده اند، مسأله ای که هیچ گاه در تاریخ و فرهنگ ایرانی نبوده است و متأسفانه عده ای سعی در عادی سازی چنین موارد زشتی را در رسانه های همچون تلویزیون ایران دارند. این همان پرده دروغ فرهنگی می شود.

بسیاری از سازمان ها و نهادها در حوزه فرهنگ محسوب

پذیرشش ایجاد خواهد شد. برای مثال آن تونلی که همه می بینند اما یک نفر تونل را طور دیگری دیده است. دو تجربه گر در دو نقطه از کشور بدون اینکه همدیگر را بشناسند، تونل را طور دیگری دیده اند. این دو تجربه گر بدون ارتباط با یکدیگر در دو کنج ایران یعنی شمال شرق و جنوب غرب هستند که هر دو در خصوص تونل صحت های دیگری دارند بدون آنکه از هم خبری داشته باشند. نکاتی در صحبت های این دو تجربه گر وجود دارد که در هیچ تجربه گر کل دنیا نبوده است. در پژوهش ها شاهد هستیم که چیزی از تونل متوجه شده ایم که هیچ محقق نمی داند اما اگر در برنامه گفته می شد، مخاطب آن را نمی پذیرفت و ما قصدمان این نیست که شوک، موج، تنش و حاشیه ایجاد کنیم. ما از مواردی که ایجاد تنش پژوهشی، اصطکاک، جرقه و کشمکش رسانه ای می کند، به نفع مخاطب و محتوای برنامه از پخش آن پرهیز می کنیم.

نفع مخاطب و محتوا در این است که ما مواردی را در لبه پذیرش و ثبت پذیرش مخاطب را پخش کنیم و در هر فصل سقف پذیرش و ظرفیت را افزایش می دهیم. هر سال سقف پذیرش مخاطب را یک درجه بالاتر ببریم تا ظرفیت مخاطبان برای افزایش درک از محتوا ارتقا یابد.

واکنش مردم در فضای حقیقی چگونه است؟ واکنش های مردم در فضای جامعه آنقدر صمیمانه و مهربانانه است که بسیار شرمنده شان می شوم و نمی دانم چه کلمه ای بگوییم که سزاوار و متناسب و درخور بلندای لطف مردم باشد.

مردم بسیار با عزت، لطف، مهربانی و دوستی برخورد کرده، بنده را شرمند می کنند و معمولاً با ماسک و کلاه و عینک و پوشش مبدل از منزل خارج شوم تا بتوانم به کارهای روزمره برسم.

مدت هاست خانواده ام با من جایی نمی روند چون وقتی همراهم هستند به کارهایشان نمی رسند. مثلاً اگر برای خرید بیرون می رویم، عملاً بنده به علت ارتباط مواجها با مردم مزاحم اوقات خانواده و روند خریدشان می شوم چراکه باید گاهی ساعت ها در نقطه ای بایستم و با مردم صحبت کنم.

حتی یک بار در حرم مشهد با اینکه ماسک و کلاه داشتم یک نفر از پشت سر بنده را شناخت و فریاد زنان من را لو داد.

اما خارج از شوخی، انصافاً مردم خیلی لطف دارند، معمولاً آبراز محبت و عکس و امضا یا پرسش و پیشنهاد، درخواست همیاری یا همکاری... و خیلی ها توصیه به ادامه برنامه، اکثراً درخواست پخش یا بازپخش برنامه در طول سال... حقیقتاً واکنش ها خیلی خوب است و تا الان هیچ واکنشی غیر از این موارد را شاهد نبودم. اما از خدا می خواهم بنده و همکاران را در آنجایی که باید بشناسند، بشناسند. اوج سعادت در این است که در آسمان شناخته شده باشیم و در زمین گمنام. شناخته شدن در زمین خطر بزرگی است و نیازمند مراقبت لحظه به لحظه است که انسان مدام خود را بازخوانی و بازنگری کند تا دچار کبر حقیرانه زمینی نشود.

گاهی اوقات هم که همکارانم این قرار را یادشان می رفت و اشاره وار می خواستند بگویند فلان تجربه موضوع خیلی خیلی کم شاید تاکنون یکی دوبار به صورت لفظی پیش آمده باشد.

متقدم نباید دروغ را تشخیص داد بلکه باید تناقض را تشخیص داد و برای این تشخیص سنجه هایی داریم که حدود ۶۰ مورد است که برخی از آن تجربه را بررسی می کند و برخی دیگر تجربه گر را. تمامی این موارد مدنظر قرار می گیرد تا یک تجربه ای اثبات شود برای ما که تجربه حضور بیرون از کالبد است.

یکی دیگر از تلاش های مان این است که در فرم رشد داشته باشیم و این تلاش را تا اندازه ای در فصل چهارم شاهد بودیم به این معنا که دکور برنامه از هر سه فصل جلوتر بود. در فصل دیگر تلاش مان بر دیگر نقاط برنامه خواهد بود تا آن را رشد دهیم. این سه موضوع سبب می شود تا هیچ زمانی برنامه زندگی پس از زندگی تکراری نشود.

تجربه گر ها را چگونه صحت سنجی یا دروغ سنجی می کنید؟

با واژه دروغ یا دروغ سنجی که بعضاً گفته می شود، مخالفم. هیچ زمانی نگاهم این نیست